

عنوان مقاله:

مطالعه قیاس ارسطویی با نگاهی به رویکردهای استلزامی و استنتاجی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 17، شماره 43 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

حمیده بهمن پور - دانشجوی دکتری منطق فلسفی، گروه فلسفه، دانشگاه اصفهان، ایران

مرتضی حاج حسینی - دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران.

غلامرضا زکیانی - دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران

خلاصه مقاله:

منطق ارسطو، قدیمی ترین ساختار نظام مند استدلالی، همواره در کانون توجه بوده است. پیرامون قیاس و رابطه فی مابین مقدمات و نتیجه بیش از سایر موضوعات در طول قرن ها بحث و جدل شکل گرفته است. در قرن بیستم پس از گسترش منطق کلاسیک، مجال دست داد تا قیاس و به ویژه رابطه بین مقدمات و نتیجه با دقت نظر بیشتری در چهارچوب مبانی منطق جدید مورد ارزیابی قرار گیرند. در نیمه قرن بیستم ژان لوکاسیاویچ تقریر شرطی-استلزامی از قیاس را در چهارچوب نظام اصل موضوعی ارائه کرد. بنا بر نظر لوکاسیاویچ بهترین تبیین از قیاس، تعبیر آن به تک گزاره ای شرطی متشکل از دو مقدمه عطف شده در جایگاه مقدم و نتیجه در جایگاه تالی است. بیست سال بعد، تیموتی اسمایلی و جان کرکوران مستقل از یکدیگر به نقد دیدگاه لوکاسیاویچ پرداختند. بنا بر نظر این دو منطق دان قیاس استنتاج است و می بایست در چهارچوب نظام استنتاجی و به ویژه استنتاج طبیعی ارزیابی شود. در دهه هشتاد، پل تام، تبیین سومی از قیاس به نام استلزام سه تایی را معرفی کرد. بنا بر نظر تام قیاس گزاره ای شرطی بدون مقدم عطفی است. در این مقاله سعی بر آن است پس از معرفی اجمالی هر یک از سه نظریه، به بررسی تلقی استلزامی و استنتاجی و نسبت بین این دو رویکرد با قیاس ارسطویی پرداخته شود.

کلمات کلیدی:

قیاس، ارسطو، استلزامی، استنتاجی، استلزام سه تایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1804645>

